

جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران

اصغر جعفری*

در این مقاله ابتدا مفهوم جهانی شدن و پیشینه تاریخی آن، ویژگی‌های جهانی شدن اقتصاد، عوامل مؤثر در جهانی شدن اقتصاد، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی شدن اقتصاد، آثار جهانی شدن در کاهش اقتدار دولت‌ها در زمینه تأمین رفاه جامعه، اخذ مالیات، حفظ ارزش پول، نرخ بهره، تورم و امنیت بررسی شده و سپس به وضعیت ایران در روند جهانی شدن اقتصاد و جایگاه آن در تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صنعت جهانگردی پرداخته شده است.

مقدمه

جهانی شدن پدیده‌ای است که از چند سال پیش موجب پیدایش تحولات چشمگیری در زمینه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست گردیده است. شواهد بیانگر آن است که در هیچ حوزه‌ای به اندازه اقتصاد، پدیده جهانی شدن پیشرفت نداشته است. جهانی شدن اقتصاد و بازارهای مالی خود ناشی از پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه ارتباطات و تکنولوژی‌های ارتباطاتی است.

جهانی شدن بسیاری از کشورها را با چالش روبه‌رو کرده است. به تصور برخی جهانی شدن، به مفهوم گسترش اقتصاد آمریکا در پهنه جهان است. زیرا با توجه به قدرت اقتصادی آمریکا و فعالیت شرکت‌های چندملیتی، سلطه‌ای جدید با توانایی‌های به مراتب بیشتر از گذشته در سطح جهان در حال شکل‌گیری است که هدف آن تضعیف حاکمیت و اقتدار کشورها و از بین بردن واحدهای کوچک اقتصادی است.¹ البته گروهی نیز بر این باورند که پدیده جهانی شدن اقتصاد فرصت‌های جدیدی را برای کشورها به وجود می‌آورد که بتوانند فاصله اقتصادی خود را با دیگر کشورها کم کنند و جایگاه جهانی خود را ارتقاء بخشند. ایران هم مانند بسیاری از کشورها با فرصت‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو

* دکترای علوم سیاسی، مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد معاونت امور اقتصادی

1. Peter Gowan, The Global Gamble, London: Verso, 1999, p.15.

خواهد شد.

در این مقاله نخست ویژگی‌های جهانی شدن اقتصاد، عوامل مؤثر در آن، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان و تأثیرات آن در کاهش اقتدار دولت‌ها در زمینه اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌شود. سپس جایگاه ایران در روند جهانی اقتصاد بررسی خواهد شد. اما قبل از آن باید به مفهوم جهانی شدن اقتصاد و پیشینه تاریخی آن اشاره کرد.

مفهوم جهانی شدن و پیشینه تاریخی آن

تاکنون تعریف روشنی از "جهانی شدن" ارائه نشده است، زیرا این پدیده به حد تکاملی خود نرسیده و همچنان دستخوش تحول است و هر روز وجه تازه‌ای از ابعاد گوناگون آن مشخص و آشکار می‌شود. جیمز روزنه‌نا در این مورد می‌گوید: "به علت تنوع و ابعاد گوناگون جهانی شدن و نیز به این دلیل که مفهوم جهانی شدن میان سطوح گوناگون تحلیل مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی، ارتباط برقرار می‌کند، هنوز زود است که از این پدیده تعریف کامل ارائه شود."^۱

مارتین آلبرو جهانی شدن را فرایندی می‌داند که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند. اما نوئل ریشتر جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاک دوره افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند.^۲

جهانی شدن در مفهوم عام آن عبارت از درهم ادغام شدن بازارهای جهان در زمینه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب سرمایه‌داری و آزادی بازار است. جهانی شدن سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت‌های جهانی بازار است که منجر به گشوده شدن مرزهای ملی و کاسته شدن از حاکمیت دولت‌ها خواهد شد.

جهانی شدن عبارت از رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهان است، رقابتی که برای کشورهای غنی، درآمد بیشتر و برای کشورهای فقیر بیشتر می‌آورد. جهانی شدن عصر تحول عمیق سرمایه‌داری برای همه انسان‌ها است که در سایه چیرگی و رهبری کشورهای مرکز و نیز در سایه حاکمیت نظام

۱. نگاه کنید به جیمز روزنه‌نا، "پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن"، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۹).

۲. پرویز صداقت، "سرشت جهانی شدن و زمینه‌های آن"، بورس (اردیبهشت ۱۳۷۹)، ص ۱۱.

جهانی، مبادله نامتوازن و ناهمگون صورت می‌گیرد.

با جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد کشورهای جهان به شدت به هم وابسته می‌شود، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابد و نقل و انتقالات مالی بین کشورها به آسانی صورت می‌گیرد. جهانی شدن به مفهوم کاهش قدرت کنترل دولت بر نقل و انتقالات مالی و فن آوری است. همچنین، جهانی شدن به مفهوم توسعه تجارت و تولید به منظور یکپارچه کردن بازار بین‌المللی است. با جهانی شدن پسوند "ملی" برای مواردی مانند سرمایه، انواع کالا و محصولات و اوراق بهادار، تا حد زیادی مفهوم خود را از دست می‌دهد.

جهانی شدن اقتصاد و بازارهای مالی، اگرچه اخیراً مطرح شده است، اما می‌توان گفت که موضوع جدیدی نیست و در واقع ریشه آن به رشد تجارت بین‌المللی در قرن نوزدهم و تولید فراملی در قرن بیستم باز می‌گردد. یک گام مهم به سوی جهانی شدن اقتصاد توافقات کنفرانس برتن و وودز در ۱۹۴۴ بود که دولت‌ها را از اتخاذ سیاست‌های ملی‌گرای اقتصادی منع می‌کرد. گام دیگر، توافق عمومی تعرفه و تجارت بود که تمایل به آزادسازی اقتصاد داشت. انتشار کتاب دهکده جهانی مک لوهان در ۱۹۶۵، انتشار کتاب موج سوم آلون تافلر در ۱۹۸۷، پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در سال‌های ۹۱-۱۹۸۹ و تأسیس سازمان تجارت جهانی در ۱۹۹۵ همگی زمینه را برای جهانی شدن فراهم کرد.

ویژگی‌های جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آن‌ها در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. افزایش رقابت در اقتصاد جهانی: جهانی شدن موجب افزایش رقابت در اقتصاد جهانی خواهد شد. افزایش رقابت موجب افزایش کارایی اقتصاد بین‌المللی می‌شود. زیرا رقابت مهم‌ترین عامل در افزایش کارایی یک سیستم است.

۲. گسترش حجم تجارت جهانی: میزان تجارت جهانی در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ از ۶۸۹۷ میلیارد دلار به ۱۰۶۶۶/۸ میلیارد دلار رسیده که بیانگر رشد ۵۴ درصدی در این دوره است.^۱
۳. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۲۵۶ میلیارد

1. United Nations, Direction of Trade Statistics Yearbook, 1997.

دلار در ۱۹۹۴ به ۸۶۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۹ رسیده است.^۱

۴. وابستگی متقابل اقتصاد کشورها: جهانی شدن اقتصاد موجب افزایش وابستگی اقتصاد کشورهای جهان به یکدیگر خواهد شد، به طوری که بروز بحران در یک کشور به سرعت به کشورهای دیگر سرایت خواهد کرد. به عنوان مثال، می‌توان به بحران جنوب شرقی آسیا اشاره کرد.

۵. گسترش تقسیم کار بین‌المللی: با جهانی شدن اقتصاد، بسیاری از موانع موجود در زمینه نقل و انتقال سرمایه از میان برداشته و موجب تقسیم کار بین‌المللی خواهد شد. به گفته بویسی^۲ «پیشرفت تکنولوژی امکان تقسیم‌بندی فرایندهای تولید را به مراحل مختلف در مکان‌های گوناگون بدون آسیب دیدن کارایی و سودآوری فراهم کرده است.»^۲ اکنون می‌توان در فرایند تولید قطعات گوناگون را در کشورهای مختلف و هر جا که مزیت رقابتی برای تولید آن قطعات وجود داشته باشد، تولید کرد.

۶. به چالش کشیده شدن دولت‌ها: با جهانی شدن اقتصاد از کنترل دولت‌ها بر اقتصاد ملی کاسته خواهد شد. زیرا به تدریج قوانین و مقررات ملی جای خود را به قوانین و مقررات بین‌المللی می‌دهند و سازمان‌های بین‌المللی بسیاری از وظایف سازمان‌های ملی را برعهده خواهند گرفت. به این ترتیب، دولت‌ها با چالش‌های جدی روبرو خواهند شد.

۷. گسترش صنعت جهانگردی: گسترش ارتباطات موجب شده تا شناخت مردم کشورها از یکدیگر افزایش یافته و انگیزه برای جهانگردی بیشتر شود. به همین دلیل، صنعت جهانگردی در دهه گذشته به یکی از زیربخش‌های مهم بازرگانی خارجی تبدیل شده است. درآمدهای جهانگردی دنیا در ۱۹۹۶ به ۴۲۳ میلیارد دلار افزایش یافته است.^۳

عوامل مؤثر در جهانی شدن اقتصاد

عوامل متعددی در جهانی شدن اقتصاد نقش دارند که در این جا برخی از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

1. United Nations, *World Investment Report*, 2000.

۲. اف. کومسا، "جهانی شدن و منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه"، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۸-۱۴۷ (آذر و دی ۱۳۷۸)، ص ۱۸۴.

۳. علیرضا کازرونی، "جهانی شدن اقتصاد و راهبرد گسترش صادرات"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۱۴۸-۱۴۷ (آذر و دی ۱۳۷۸)، ص ۱۹۲.

جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران ... ۱۴۳

۱. پیشرفت‌های فن آوری: پیشرفت فن آوری رایانه‌ای و مخابرات نوری این امکان را فراهم آورده تا اطلاعات به‌هنگام و همزمان در اختیار همه علاقه‌مندان در سراسر جهان قرار گیرد. فن آوری نوین، سرعت انتقال پردازش داده‌های روی زمین را به سرعت نور رسانده است. فن آوری نوین حرکت سرمایه میان کشورها را به مراتب سریع‌تر کرده است. امروزه سیستم‌های شبکه‌های پیام‌رسانی الکترونیکی، موجب شده تا بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کارهای خود را با سرعت نور انجام دهند. این مسأله را می‌توان در معاملات روزانه ارزی جهان مشاهده کرد. روزانه در معاملات ارزی، بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار جابه‌جا می‌شود. به علت سرعت زیاد گردش سرمایه و گنبد بودن نسبی سرعت جابه‌جایی کالا، دنیای سرمایه از دنیای کالا جدا شده است. تنها حدود ۵ درصد از این تجارت ارزی همراه با تجارت کالا یا خدمات است و بقیه آن سوداگری و در واقع استفاده از تفاوت قیمت‌های منطقه‌ای است.

انقلاب در تکنولوژی اطلاعات، هزینه‌های ارتباط از راه دور را کاهش داده و فاصله را در فعالیت‌های اقتصادی به حداقل رسانیده است. بین سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۹۶، هزینه ۳ دقیقه مکالمه تلفنی بین شهرهای نیویورک و لندن از ۳۰۰ دلار (به قیمت سال ۱۹۹۶) تنها به ۱ دلار کاهش یافت. کاهش شدید هزینه‌های ارتباطی و حمل و نقل موجب یکپارچگی هرچه بیشتر بازارها، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و فروشندگان شده است. انواع فعالیت‌های اقتصادی شامل خرید و فروش و خدمات، معاملات پولی، کنفرانس از راه دور، آموزش از راه دور (از طریق ویدئو و تلویزیون) و کار کردن از راه دور را می‌توان با کمک شبکه‌های ارتباطی یعنی تلفن و اینترنت انجام داد.

۲. رشد فعالیت شرکت‌های چندملیتی: امروزه نه تنها بر تعداد شرکت‌های چندملیتی افزوده شده بلکه حوزه نفوذ آن‌ها نیز گسترش یافته است. در نتیجه، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز در سال‌های اخیر افزایش داشته است. شرکت‌های چندملیتی مرزهای جغرافیایی را از میان برداشته و به جهانی شدن اقتصاد کمک کرده‌اند. جهانی شدن اقتصاد از طریق رشد تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امکان‌پذیر شده است. تجارت جهانی بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ حدود ۴/۲ برابر رشد کرده است.^۲

۱. کوسا، همان، ص ۱۸۵.

2. World Bank, *World Development Indicators*, 1997, p.129.

ریچارد بارنت به قدرت مالی شرکت‌های چندملیتی اشاره کرده و نوشته است: "اگر ما فروش سالانه شرکت‌ها را با تولید ناخالص داخلی کشورها در سال ۱۹۷۳ مقایسه کنیم، در خواهیم یافت که فروش جنرال موتورز بیشتر از تولید ناخالص داخلی سوئیس، پاکستان و افریقای جنوبی است. فروش رویال داچ شل نیز بیش از تولید ناخالص ایران، ونزوئلا و عربستان سعودی است."^۱

آلن دوبنوا نیز ضمن اشاره به نقش محوری شرکت‌های عظیم در فرایند جهانی شدن، به بودجه هنگفت این شرکت‌ها در مقابل تولید ناخالص ملی چند کشور اشاره می‌کند و می‌نویسد: "در پایان سال ۱۹۹۰، بودجه سالانه جنرال موتورز که بالغ بر ۱۳۲ میلیارد دلار بوده، بیشتر از تولید ناخالص ملی اندونزی بوده است. بودجه شرکت فورد ۱۰۰ میلیارد دلار بوده که بیش از تولید ناخالص ملی ترکیه است. همچنین، بودجه تویوتا بیش از تولید ناخالص پرتغال و بودجه شرکت یونیور بیش از تولید ناخالص پاکستان و بودجه شرکت نستله بیش از تولید ناخالص ملی مصر بوده است."^۲

۳. رشد بلوک‌های تجاری یا منطقه‌گرایی: آزادسازی تجارت بین‌الملل یا جهانی شدن اقتصاد به دو طریق صورت گرفته است. یکی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و دیگری گسترش اتحادیه‌های منطقه‌ای. گات و یا سازمان تجارت جهانی در جهت گسترش تجارت بین‌الملل از طریق حذف موانع وارداتی غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه گمرکی میان کشورهای عضو نقش عمده‌ای داشته است. اتحادیه‌های منطقه‌ای نیز مانند اتحادیه اروپا، منطقه آزاد تجاری امریکای شمالی (نفتا) و منطقه تجارت آزاد جنوب شرقی آسیا (آسه آن) به جهانی شدن اقتصاد کمک کرده‌اند. به گفته پراتون منطقه‌گرایی نه تنها دلالت بر افزایش فعالیت بین‌کشورهایی دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند، بلکه به معنی تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آن‌ها است.^۳

۴. فروپاشی شوروی: با فروپاشی شوروی انرژی عظیمی که در غرب برای مقابله با سوسیالیسم بسیج شده بود، رها شد و به موتور تحولات اخیر تبدیل گردید. بسیاری از فن‌آوری‌ها که نظامی بودند برای استفاده‌های غیرنظامی و تجاری آزاد شدند. بسیاری از سرمایه‌ها که در اختیار بخش نظامی بود،

۱. مایکل تانرز، "جهانی شدن اقتصاد"، ترجمه مجید ملکان، فرهنگ و توسعه، شماره ۲۳ (خرداد و تیر ۱۳۷۵).

2. Alain de Benoist, "Confronting Globalization", *Telos*, No. 108 (Summer 1996), p.118.

3. J.Perraton *et al.*, "The Globalization of Economic Activity", *New Political Economy's* (1999), p.258.

جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران ... ۱۴۵

آزاد شد. صنایع گوناگون که از بخش‌های نظامی سفارش می‌گرفتند به سوی تولیدات تجاری روی آوردند. از سوی دیگر، فروپاشی شوروی منجر به یک قطبی شدن نظام اقتصاد جهانی یعنی گسترش اقتصاد بازار شد و یکپارچگی بازارها را به دنبال آورد.

۵. رشد بازارهای مالی: حجم بازارهای مالی در مقایسه با حجم تجارت به سرعت رشد کرده و به یک عامل مهم و نیروی پیش‌برنده جهانی شدن اقتصاد تبدیل شده است. به گفته دراکر «... حرکت سرمایه به جای تجارت کالا و خدمات، به صورت موتور محرک اقتصاد جهانی درآمده است.»^۱ سرمایه جهانی با تسهیلاتی که سیاست مقررات‌زدایی و آزادسازی کشورهای غربی برای آن ایجاد کرده‌اند، هم از نظر تحرک و هم از نظر حجم سالانه، افزایش یافته است. در ۱۹۹۵ روزانه ۱۲۰۰ میلیارد دلار ارز معامله شد. این میزان تقریباً حدود ۵۰ برابر ارزش تجارت جهانی کالا و خدمات است. در حالی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ و پیش از آزادسازی بازارهای سرمایه، ارزش معاملات ارزی تنها ۶ برابر ارزش تجارت (واقعی) بود.^۲

دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن دارای آثار متضادی است. از یک سو به آزادسازی بیشتر می‌انجامد، به طوری که حتی گشودن بازارهای ملی فضایی کاملاً رقابتی ایجاد می‌کند، و از سوی دیگر موجب برانگیختن احساسات ملی‌گرایی می‌شود. درباره جهانی شدن چند دیدگاه وجود دارد. موافقان جهانی شدن معتقدند که یکپارچگی اقتصادی سبب تقویت جریان کالا و خدمات و نیز عوامل تولید می‌شود و لذا ارتقای رشد اقتصادی و رفاه عموم را به دنبال دارد. جهانی شدن به تقسیم کار منجر خواهد شد و به کشورهای در حال توسعه که نیروی کار فراوان دارند، امکان می‌دهد که در تولید کالاهای نیروبر مشارکت کنند. همچنین، جهانی شدن سبب می‌شود که سرمایه با توجه به فرصت‌های سرمایه‌گذاری تولیدی جریان یابد. موافقان این دیدگاه به تجربه‌های بسیاری که در جهان به دست آمده است، اشاره می‌کنند. آن‌ها موفقیت جهانی شدن را از راه مقایسه سطح رشد و درآمد سرانه در آلمان شرقی و غربی و کره شمالی و جنوبی و چین با تایوان ارزیابی می‌کنند.

مخالفان جهانی شدن معتقدند که جهانی شدن و منطقه‌گرایی به نفع کشورهای توسعه یافته و به

۱. کومسا، همان، ص ۱۸۳.

۲. همان.

زیان کشورهای در حال توسعه است. جهانی شدن باعث افزایش اهمیت بخش خدمات و نیروی کار متخصص و کاهش اهمیت مواد اولیه و نیروی کار غیرمتخصص می‌شود. از این رو، کشورهای در حال توسعه که صادرکنندگان اصلی مواد اولیه و نیروی کار غیرمتخصص هستند، در شرایط دشواری قرار می‌گیرند.

جهانی شدن سبب می‌شود که کشورهای در حال توسعه از اصلاحات ساختاری اقتصادی مورد نظر مؤسسات بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی پیروی کنند. این امر از یک سو سیاست‌های توسعه ملی این کشورها را با مشکل روبه‌رو می‌کند و از اثربخشی خط مشی‌های اقتصاد ملی می‌کاهد و از سوی دیگر سبب گسترش بیکاری، فقر و پایین آمدن دستمزدها می‌شود.

در دو دهه گذشته سطح فقر رو به افزایش بوده است. بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ تعداد افرادی که با کمتر از ۱ دلار در روز زندگی می‌کردند از ۱۲۲۷ میلیون نفر به ۱۳۱۴ میلیون نفر رسیده است. نابرابری در درآمد جهانی نیز افزایش یافته و فاصله بین اغنیا و فقرا بیشتر شده است. جهانی شدن همچنین سبب افزایش نابرابری میان ملت‌ها، افراد و مناطق مختلف می‌شود.

جهانی شدن دولت‌های ملی را با بحران روبه‌رو می‌کند، زیرا سبب می‌شود که تسلط دولت بر منابع درآمد خود از بین برود و نقش‌های اقتصادی و اجتماعی خود را از دست بدهد. در نتیجه جهانی شدن، شرکت‌های چندملیتی به نیابت از دولت ملی به این نقش‌ها می‌پردازند.

جهانی شدن به سود کشورهای ثروتمند و به زیان کشورهای فقیر است، زیرا ۲۰ درصد جمعیت جهان از آن بهره‌مند و ۸۰ درصد بقیه در حاشیه قرار می‌گیرند و این امر با مفهوم نظام جهانی متوازن سازگار نیست. براساس آمار برنامه توسعه سازمان ملل، بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، فقیرترین کشورها که ۲۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، شاهد کاهش سهم خود در مبادلات تجارت جهانی از ۴ درصد به کمتر از ۱ درصد بوده‌اند.^۱

به اعتقاد مخالفان جهانی شدن اقتصاد، آنچه که جهانی شده، توسعه اقتصادی نیست بلکه فقر است؛ احترام به حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه نیست بلکه نقض آن است؛ تقویت همبستگی میان مردم جهان نیست بلکه تحکیم قانون اعمال زور و تقویت رقابت نابرابر موجود در عرصه بازار

۱. ماری فرانس بو، "جهانی شدن بازار"، پیام یونسکو، شماره ۳۱۸ (۱۳۷۵)، صص ۳۲-۳۴.

است. جهانی شدن اقتصاد به مفهوم افزایش فقر، بحران‌های مالی بین‌المللی، شکاف بین شمال و جنوب و جنوب محروم است. فیدل کاسترو رئیس‌جمهوری کوبا در سخنرانی خود در اجلاس جنوب (گروه ۷۷) در مورد تأثیرات منفی جهانی شدن اقتصاد گفته است: «جهانی شدن واقعیتی عینی است و برایین حقیقت تأکید دارد که همه ما سرنشینان یک کشتی واحد هستیم و این کشتی همان سیاره‌ای است که همگی ما روی آن زندگی می‌کنیم. لکن سرنشینان این کشتی تحت شرایط بسیار متفاوتی سفر می‌کنند. اقلیت بسیار کوچکی در کابین‌های لوکس و مجهز به تلفن‌های همراه و اینترنت و شبکه‌های ارتباط جهانی سفر می‌کنند. این اقلیت از یک برنامه غذایی غنی، متنوع، فراوان و متعادل به همراه آب فراوان و تمیز استفاده می‌کنند، به وسایل پزشکی پیچیده دسترسی دارند و از امکانات فرهنگی برخوردار می‌باشند. در مقابل اکثریتی عظیم نیز در شرایطی سفر می‌کنند که یادآور تجارت هولناک بردگان، بین آفریقا و آمریکا در تاریخ گذشته مستعمراتی ما است. این بدین معنی است که ۸۵ درصد سرنشینان این کشتی که با فشار در انبار کثیف کشتی جای داده شده‌اند، از گرسنگی، امراض مختلف و درماندگی رنج می‌برند.»

شاید بتوان بین این دو دیدگاه، دیدگاه سومی را نیز در نظر گرفت. براساس این دیدگاه کشورهای در حال توسعه از جهانی شدن هم زیان می‌بینند و هم در مواردی سود می‌برند. زیرا جوهره اصلی پدیده جهانی شدن وابستگی متقابل اقتصادها به یکدیگر است و لذا کشورهای توسعه یافته و ثروتمند حداقل برای این که پیشرفت بهتری داشته باشند، تمایلی به عقب‌نگه داشتن کشورهای در حال توسعه و فقیر ندارند. به همین دلیل، این کشورها تاکنون نیز امتیازاتی به کشورهای در حال توسعه داده‌اند. به عنوان مثال، سازمان تجارت جهانی برای بعضی از کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه تخفیفات تعرفه‌ای در نظر گرفته است. به گفته جیمزگراف، جهانی شدن چهره انسانی نیز دارد.^۱

جهانی شدن فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آورد. فرصت‌های جهانی شدن عبارت‌اند از بازارهای وسیع‌تر برای کالا، افزایش تعداد کالاهای قابل مبادله، افزایش جریان ورودی سرمایه خصوصی و دسترسی مناسب‌تر به تکنولوژی. به کارگیری سیاست‌های تجاری برون‌نگر باعث می‌شود که این کشورها از جهانی شدن سود ببرند. افزایش کارایی و بهره‌وری و ایجاد فضایی مناسب برای صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی که ناشی از اصلاحات برون‌نگر است، تا

1. Time, Feb. 1999.

حد زیادی موجب بهبود وضعیت اقتصادی در برخی از این کشورها شده است.^۱ اما فرصت‌های جدید با چالش‌ها و مشکلات جدید همراه‌اند. ادغام در بازارهای جهانی، به کارگیری و حفظ سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری آزاد را می‌طلبد. در بخش تجارت، رقابت افزایش می‌یابد. در زمینه مالی، ادغام در بازارهای بین‌المللی سرمایه و نوسان‌های بالقوه جریان سرمایه ناشی از آن، مدیریت کلان اقتصادی را پیچیده‌تر می‌کند. سیاست‌گذاران با مسائل جدیدی مثلاً نیاز به حفظ اعتماد در بازارهای داخلی و بین‌المللی روبه‌رو می‌شوند.^۲

در هر حال، کشورهای در حال توسعه، چه بخواهند و چه نخواهند، جهانی شدن اتفاق خواهد افتاد. لذا مسأله‌ای که برای این کشورها اهمیت دارد، نحوه برخورد با جهانی شدن است. کشورهای در حال توسعه باید هماهنگ با جهانی شدن پیش روند و با دقت مشخص کنند که چگونه می‌توانند از جهانی شدن استفاده کنند و از آثار منفی آن دور بمانند یا آن را کاهش دهند.

کاهش اقتدار دولت در مسائل اقتصادی

جهانی شدن موجب عقب‌نشینی دولت از جایگاه مسلط خود در مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌شود. جدال دیرین برای دستیابی به آزادی و مسئولیت‌پذیر کردن دولت‌ها توانست دست‌کم برخی دولت‌ها را نسبت به مردم خود پاسخ‌گو کند. اما جهانی شدن با تغییر کانون قدرت از کشورها به شرکت‌های چندملیتی و توانا ساختن دیوان‌سالاری بین‌المللی، موجب از بین رفتن این مسئولیت‌پذیری می‌شود. اکنون هیچ یک از مراجع اقتدار غیردولتی مسئولیت‌پذیر نیستند و شمار اندکی از آن‌ها در کار خود شفافیت لازم را دارند.

جهانی شدن سبب کاهش اقتدار دولت در زمینه تأمین رفاه جامعه می‌شود. دولت‌ها معمولاً بخشی از مزایای دارایی‌های بزرگ را به مستمندان، درماندگان، بیماران و سالخوردگان تخصیص می‌دهند. این مسأله به ویژه در اقتصاد آزاد سرمایه ضرورت دارد، زیرا گرایش چنین نظامی به خودی خود آشکارا به سمت افزایش دارایی توانگران و گسترش شکاف بین آن‌ها و تهی‌دستان است. با جهانی

۱. مهدی تقوی، "جهانی شدن بازارهای مالی و تدوین سیاست‌های اقتصادی"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال یازدهم،

شماره ۱۱۰-۱۰۹ (۱۳۷۵)، ص ۱۴۷.

۲. همان.

جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران ... ۱۴۹

شدن اقتصاد، مهم‌ترین مسئولیت دولت که تأمین اجتماعی و برقراری عدالت اجتماعی است، نادیده انگاشته خواهد شد.

جهانی شدن راه‌گریز از مالیات را بر شرکت‌های چندملیتی و بسیاری از افراد گشوده است. پرداخت مستمری‌های اجتماعی از محل مالیات‌های عمومی که به درآمد دولت لطمه می‌زند، روزبه‌روز کاهش می‌یابد. سن لازم برای دریافت این‌گونه مستمری‌های دولتی در کشورهای ایتالیا، فرانسه و آلمان افزایش یافته است. حتی دولت قادر به حمایت از کسانی مانند کشاورزان، ماهی‌گیران، معدن‌چیان یا تولیدکنندگان فولاد، هم به دلیل ضعف مالی و هم به دلیل رقابت خارجی نخواهد بود. اجماع جهانی بر مردود انگاشتن نظام حمایتی در اقتصاد و تأیید اقتصاد آزاد استوار است. تجربه‌های ملی در کشورها حاکی از آن است که چنین حمایت‌هایی اغلب به سودبخش‌های ناکارآمد و ناتوان از رقابت تمام می‌شود و ثمره سازنده‌ای ندارد.^۱

اقتدار دولت در زمینه حفظ ارزش پول نیز با جهانی شدن، کاهش می‌یابد و احتمالاً غیر از آمریکا، کشورهای دیگر توانایی ایستادگی در برابر بازارهای مبادلات ارز خارجی را ندارند. زیرا سرمایه‌شناور واکنش‌های بازار را تعیین می‌کند و به نوبه خود نرخ مبادلات ارز را هم متأثر می‌کند و در این راه دیگر موازنه در تراز پرداخت‌های بازرگانی نقشی ندارد. به این ترتیب، یکی از وظایف مالی دولت یعنی حفظ ثبات پولی تضعیف خواهد شد.

با جهانی شدن، قدرت دولت در مورد نرخ بهره و نرخ تورم کاهش خواهد یافت. دولت‌ها تنها می‌توانند در چارچوبه تعیین شده بازار، محدوده نرخ بهره را تعیین کنند. بالا نگاه داشتن نرخ بهره ممکن است به جریان یافتن پول به درون کشور کمک کند. مانند آنچه در آلمان و انگلیس در دوره وزارت دارایی گوردون براون اتفاق افتاد. اما این کار هزینه‌های سنگینی را بر مشاغل کوچک تحمیل می‌کند و نرخ مبادله ارز را آن‌چنان بالا می‌برد که صادرات کشور توان رقابت خود را از دست خواهد داد.

در مورد نرخ تورم، دولت‌ها به ظاهر با کنترل حجم پول در گردش و تنظیم ارزش آن از راه ایجاد تغییر در نرخ‌های بهره عمل می‌کنند. اما در این زمینه نیز فن‌آوری، اقدام‌های آن‌ها را بی‌اثر خواهد

۱. سوزان استرنج، "جهانی شدن، فرسایش اقتدار کشور و تحول اقتصاد جهانی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم،

کرد. استفاده از کارت‌های اعتباری در امریکا و انگلیس به سرعت افزایش می‌یابد و قدرت خریدی ایجاد می‌کند که دولت قدرت مهار آن را ندارد. داد و ستد پولی و خرید الکترونیکی از راه اینترنت حتی به مراتب راحت‌تر و بهتر از نظارت‌های دولتی هستند و توانایی تخریبی بیشتری نیز دارند. جهانی شدن موجب کاهش اقتدار دولت در زمینه حفظ امنیت کشور هم می‌شود. تمایل برای تهاجم از سوی کشورهای همسایه کاهش می‌یابد. زیردستیابی به سهمی در بازارهای جهانی جایگزین کشورگشایی می‌شود. لذا دفاع در برابر تهاجم بیگانه دیگر ضرورتی نخواهد داشت. البته نیروهای نظامی و انتظامی برای حفظ نظم اجتماعی مورد نیاز است. اما در جایی که بی‌نظمی اجتماعی نباشد، وجود آن‌ها غیر ضروری خواهد بود. در این حالت، بخش‌هایی از جامعه، نیروهای مسلح را نه به عنوان حافظان بی‌غرض صلح، بلکه منشأ تهدیدی نسبت به امنیت خود تلقی می‌کنند. کاهش پشتیبانی از سربازگیری در بسیاری از کشورها شاخصی از این تحول است.^۱

ایران و جهانی شدن اقتصاد

آنچه در مورد جهانی شدن اقتصاد گفته شد، درباره ایران هم صادق است. به عبارت دیگر، جهانی شدن برای ایران فرصت‌ها و چالش‌هایی را به وجود می‌آورد. ایران می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های درست چالش‌ها را به حداقل برساند و از فرصت‌هایی که به وجود می‌آید به نحو بهتری استفاده کند. سیاست درون‌گرایی حاکم بر اقتصاد ایران و تأکید بر سیاست جانشینی واردات و خودکفایی، ایران را در حاشیه تحولات اقتصاد جهانی قرار داده و سبب شده که نتواند از فرصت‌های ایجاد شده استفاده کند. ایران در روند جهانی شدن اقتصاد در زمینه‌های صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و جهانگردی در مقایسه با کشورهای همجوار در جایگاه مطلوبی قرار ندارد.

۱. جایگاه ایران در تجارت جهانی: در حالی که حجم تجارت جهانی در فاصله ۹۶-۱۹۹۰ رشد ۵۴ درصدی داشته است، اما رشد تجارت خارجی ایران در همین دوره ۱/۰ درصد بوده است. حجم تجارت خارجی ایران از ۲/۳۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ به ۶/۳۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۶ رسیده

است.^۱ جدول شماره ۱ روند صادرات و واردات جهان در برخی مناطق و کشورها را نشان می‌دهد. براساس این جدول، حجم تجارت خارجی ترکیه و پاکستان در همین فاصله زمانی به ترتیب رشدی برابر با ۷۱ درصد و ۶۵ درصد داشته است. این امر بیانگر آن است که این کشورها توانسته‌اند تا حدودی خود را با روند جهانی شدن اقتصاد تطبیق دهند. این کشورها فاقد درآمدهای نفتی هستند.

به طور کلی، عملکرد تجارت خارجی ایران ضعیف است و به صادرات نفت وابسته است. نسبت کل صادرات ایران به صادرات جهان و نسبت صادرات غیرنفتی ایران به صادرات جهان نشان‌دهنده سهم ناچیز صادرات به ویژه صادرات غیرنفتی ایران در کل صادرات جهان است، در حالی که ایران حدود یک درصد جمعیت جهان را دارد. در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ در بهترین وضعیت (۱۹۹۳) تنها ۰/۴۹ درصد صادرات جهان متعلق به ایران بوده است. علاوه بر آن، در همین سال‌ها بیش از ۷۵ درصد کل صادرات را صادرات نفت و گاز تشکیل می‌داده است. بنابراین، اگر صادرات نفت را جدا کنیم، در همین سال، تنها ۰/۱ درصد صادرات جهان متعلق به ایران بوده است. اگر قرار باشد که کشورها به نسبت جمعیت خود در صادرات جهانی (نه فروش نفت خام) نقش پیدا کنند، سهم ایران باید دست کم ۱۰ برابر و با توجه به ارقام سال ۱۹۹۷ باید ۲۰ برابر شود.

بررسی نرخ‌های رشد صادرات جهان و ایران نشان می‌دهد در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷، در حالی که میانگین صادرات جهان سالانه حدود ۱۰/۷ درصد رشد داشته است، میانگین کل صادرات ایران تنها از ۱/۵ درصد رشد برخوردار بوده، در عین حال که نرخ رشد صادرات غیرنفتی ایران به طور میانگین حدود ۲/۵- درصد بوده است.

این مسأله نشان‌دهنده ضعف شدید در ساختار بازرگانی خارجی ایران است. شاخص‌های صادرات سرانه جهان، صادرات سرانه کشورهای توسعه یافته و صادرات سرانه کشورهای در حال توسعه و ایران نیز بیانگر عدم توانایی ایران برای حضور در صحنه اقتصاد جهانی است. صادرات سرانه کشور در ۱۹۹۷ با رقمی معادل ۴۹/۳ دلار، با نفت، بسیار پایین تر از رقم مشابه کشورهای توسعه یافته و حتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (جدول ۳).

مشکلات صادرات غیرنفتی ایران در بُعد داخلی عبارت‌اند از ضعف بنیة تولیدی، تغییر مستمر قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، بوروکراسی و تشریفات زاید، نگرش سطحی به صادرات، کاهش سهم فن آوری، فعال نبودن مراکز پژوهش و توسعه و مشکلات مربوط به حمل و نقل و بسته‌بندی، در بُعد

1. United Nations, *Direction of Trade Statistics yearbook*, 1997.

جدول ۱: روند صادرات و واردات مناطق و کشورها (۱۹۹۰-۱۹۹۶)

واردات							صادرات							سال
۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۵۴۰۱	۵۱۴۱	۴۳۱۰	۳۷۷۷	۳۸۸۲	۳۶۲۷	۳۵۱۱	۵۲۶۶	۵۰۶۹	۴۲۴۷	۳۷۱۸/۵	۳۷۵۱	۳۵۰۰	۳۳۸۶	کل جهان (میلیارد دلار)
۳۵۰۴	۳۳۸۷	۲۸۸۲	۲۵۲۹	۲۷۱۶	۲۶۰۲	۲۵۷۸	۳۴۸۱	۳۴۱۷	۲۸۸۷	۲۵۵۸	۲۶۵۳	۲۵۰۱	۲۴۴۷	کشورهای صنعتی (میلیارد دلار)
۱۸۹۱	۱۷۵۰	۱۴۲۵	۱۲۴۶	۱۱۶۳	۱۰۲۱	۹۲۸	۱۷۸۲	۱۶۴۹	۱۳۵۷	۱۱۵۸	۱۰۹۶	۹۹۸	۹۳۷	کشورهای در حال توسعه (میلیارد دلار)
۱۲۱۵۰	۱۱۴۶۰	۸۸۸۴	۹۴۹۲	۹۳۷۵	۸۴۳۱	۷۳۸۳	۹۲۹۹	۷۹۹۱	۷۳۳۲	۶۷۰۱	۷۲۶۹	۶۴۹۴	۵۵۸۷	پاکستان (میلیون دلار)
۴۱۵۹۶	۳۵۷۶۶	۲۳۲۷۸	۲۹۴۲۹	۲۳۵۳۲	۲۱۱۳۲	۲۳۳۰۶	۲۱۳۹۶	۲۱۲۹۶	۱۸۱۵۵	۱۵۳۴۹	۱۴۶۰۶	۱۳۷۲۳	۱۳۴۱۰	ترکیه (میلیون دلار)
۱۳۸۸۲۲	۱۳۲۰۶۳	۱۱۵۶۲۹	۱۰۳۵۵۲	۸۱۸۴۳	۶۳۸۵۵	۵۳۹۱۵	۱۵۱۰۹۳	۱۴۸۸۹۲	۱۲۰۸۲۲	۹۱۶۱۱	۸۵۴۹۲	۷۱۹۴۰	۶۲۸۷۶	چین (میلیون دلار)
۱۳۷۸۴	۱۲۱۳۰	۱۱۵۸۵	۱۶۶۱۸	۲۳۱۰۵	۲۱۷۹۳	۱۵۹۰۳	۲۱۸۶۲	۱۹۲۰۱	۱۶۵۹۸	۱۷۷۴۵	۱۹۸۶۸	۱۸۶۶۱	۱۹۳۰۵	ایران (میلیون دلار)

Source: United Nations, *Direction of Trade Statistics Yearbook*, 1997.

جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران ... ۱۵۳

جدول ۲: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داخل کشور میزبان (میلیون دلار)

کشور میزبان	متوسط سالانه ۱۹۸۳-۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
جهان	۱۹۰۶۲۹	۲۵۵۹۸۸	۳۳۱۸۴۴	۳۷۷۵۱۶	۴۷۳۰۵۲	۶۸۰۰۸۲	۸۶۵۴۸۷
کشورهای توسعه یافته	۱۴۰۰۸۸	۱۴۵۱۳۵	۲۰۵۶۹۳	۲۱۹۷۸۹	۲۷۵۲۲۹	۴۸۰۶۳۸	۶۳۶۴۴۹
اتحادیه اروپا	۷۸۵۱۱	۷۶۸۶۶	۱۱۴۳۸۷	۱۰۸۶۰۴	۱۲۸۵۷۴	۲۴۸۶۷۵	۳۰۵۰۵۸
کشورهای در حال توسعه	۴۶۹۱۹	۱۰۴۹۲۰	۱۱۱۸۸۴	۱۴۵۰۳۰	۱۷۸۷۸۹	۱۷۹۴۸۱	۲۰۷۶۱۹
ایران	-۸۶	۲	۱۷	۲۶	۵۳	۲۴	۸۵
ترکیه	۶۶۵	۶۰۸	۸۸۵	۷۲۲	۸۰۵	۹۴۰	۷۸۳
ترکمنستان	۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۸	۱۰۸	۱۳۰	۸۰
پاکستان	۲۶۶	۴۱۹	۷۱۹	۹۱۸	۷۱۳	۵۰۷	۵۳۱
ویتنام	۳۱۹	۱۹۳۶	۲۳۴۹	۲۴۵۵	۲۷۴۵	۱۹۷۲	۱۶۰۹
مالزی	۳۳۲۰	۴۵۸۱	۵۸۱۶	۷۲۹۶	۶۵۱۳	۲۷۰۰	۳۵۳۲
هند	۲۳۴	۹۷۳	۲۱۴۴	۲۴۲۶	۳۵۷۷	۲۶۳۵	۲۱۶۸
اندونزی	۱۲۶۹	۲۱۰۹	۴۳۴۶	۶۱۹۴	۴۶۷۷	-۳۵۶	-۳۲۷۰
کره	۹۵۶	۹۹۱	۱۳۵۷	۲۳۰۸	۳۰۸۸	۵۲۱۵	۱۰۳۴۰

Source: United Nations, *World Investment Report*, 2000, pp.285-86.

برون مرزی این مشکلات عبارت‌اند از موانع غیر تعرفه‌ای، تحریم‌های اقتصادی، مالیات اضافی، استفاده نامطلوب از امتیازات ترجیحی، استاندارد نبودن اکثر کالاهای صادراتی و ضعف ارتباط با سازمان‌های بازرگانی بین‌المللی.

برای توسعه صادرات عوامل زیر مؤثر است: اتخاذ استراتژی جهش صادراتی، صدور کالاهای با ارزش افزوده، تأسیس و تقویت دفاتر نمایندگی در خارج از کشور، عضویت در سازمان‌های تجاری و منطقه‌ای و بین‌المللی، جلب سرمایه‌های خارجی، ثبات در قوانین و مقررات، استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری و توجه به امر تحقیق و توسعه.^۱

۱. سیدکریم سپهری، حسین قضاوی، رحمان پلیمی، "الزامات ساختاری توسعه صادرات غیرنفتی"، پژوهش‌ها

و سیاست‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره پیاپی ۱۳، (بهار ۱۳۷۹) صص ۲۸-۲۹.

جدول ۳: جایگاه صادراتی جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای جهان

شرح	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
ل صادرات جهان (میلیارد دلار)	۳۷۱۸/۵	۴۲۴۶/۸	۵۰۶۹	۵۲۶۵	۵۵۴۶
کل صادرات ایران (میلیارد دلار)	۱۸/۱	۱۹/۴	۱۸/۴	۲۲/۴	۱۸/۵
صادرات غیرنفتی ایران (میلیارد دلار)	۳/۷	۴/۸	۳/۳	۳/۱	۳
نسبت کل صادرات ایران به صادرات جهان (درصد)	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۳۶	۰/۴۳	۰/۳۳
نسبت کل صادرات غیرنفتی ایران به صادرات جهان (درصد)	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۵
نرخ رشد صادرات جهان (درصد)	-	۱۴/۲	۱۹/۴	۳/۹	۵/۳
نرخ رشد صادرات ایران (درصد)	-	۷/۲	-۵/۲	۲۱/۷	-۱۷/۵
نرخ رشد صادرات غیرنفتی ایران (درصد)	-	۳۰	-۳۱	-۶	-۳
نرخ رشد تجارت جهانی (درصد)	۴/۲	۱۰/۲	۱۰/۳	۶/۲	۹/۶
نرخ رشد تجارت خارجی ایران (درصد)	-۱۳	-۱۵	-۳	۱۶/۷	-۱۰

مأخذ: پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۹)، ص ۲۹.

عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) می‌تواند در توسعه صادرات غیرنفتی ایران از نقطه نظر رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی و عدم تبعیض در مقابل آن مؤثر باشد. ایران از پنج سال پیش تاکنون خواستار پیوستن به این سازمان است. اما همواره با مخالفت شدید امریکا روبه‌رو بوده است.

در اردیبهشت ۱۳۸۰ امریکا درخواست ایران را وتو کرد. بدون تأیید امریکا این روند ادامه خواهد داشت. مصر نقش حامی ایران را در پیوستن به سازمان تجارت جهانی ایفا کرد و به نمایندگی کشورهای در حال توسعه از این سازمان خواست که تقاضای ایران را مورد توجه قرار دهد. نماینده مصر درباره عضویت ایران گفته بود که رفتار سازمان تجارت جهانی در زمینه پذیرش عضو قابل قبول نیست، زیرا قوانین این سازمان از جمله عدم برخورد تبعیض‌آمیز و شفافیت در تجارت را رعایت

نمی‌کند.

۲. جایگاه ایران در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران طی سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۱ اغلب کم و یا منفی بوده است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران در سال‌های ۹۰-۱۹۸۵ و ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ منفی بوده که ناشی از انتقال سرمایه به خارج از ایران بوده است. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران در سال‌های ۹۹-۱۹۹۴ افزایش یافته اما رقم آن بسیار اندک بوده است (جدول ۲). در حالی که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه از ۶۰۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ به ۷۸۳ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹ رسیده است. طی همین دوره میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در پاکستان از ۴۱۹ میلیون دلار به ۵۳۱ میلیون دلار افزایش یافته است. در همین دوره میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هند از ۹۷۳ میلیون دلار به ۲۱۶۸ میلیون دلار و کره از ۹۹۱ میلیون دلار به ۱۰۳۴۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

موانع جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران متعددند که می‌توان به موانع قانونی، موانع اقتصادی، بوروکراسی اداری، ریسک ملی ایران، موانع سیاسی و تحریم‌های اقتصادی امریکا اشاره کرد.

در میان ده کشور منتخب از کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا، وضعیت ریسک ملی ایران با کسب رتبه *D* بسیار نامطلوب است. تنها ریسک کشورهای عراق و سودان پایین‌تر از ایران است. موقعیت ریسک سیاسی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی و ریسک نقدینگی - ارزی هم، که ریسک ملی از آن‌ها منتج می‌شود، مطلوب نیست. وضعیت ایران در ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی و ریسک نقدینگی - ارزی تقریباً از همه کشورها بدتر است. ایران فقط در مورد ریسک سیاسی با متوسط منطقه برابری می‌کند، ولی در سایر موارد از میانگین منطقه پایین‌تر است. اگر این نکته در نظر گرفته شود که به‌طور کلی ریسک منطقه خاور میانه از سایر نقاط دنیا بالاتر است، وخامت اوضاع ریسک ایران از دیدگاه بین‌المللی آشکارتر خواهد شد. موقعیت ریسک ایران در طرح‌های سرمایه‌گذاری در مقایسه با کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا بسیار وخیم است. رتبه‌بندی نشان می‌دهد که ایران در ریسک نظام بانکی و ریسک ارزی با احراز رتبه *E* در واقع بدترین وضعیت را دارد.^۱

1. Economist Intelligence Unit, Report, 1999.

۳. جایگاه ایران در صنعت جهانگردی: ایران از نظر دارا بودن جاذبه‌های گردشگری در رده پنجم کشورهای جهان قرار دارد. اما در جهان از نظر جذب تعداد گردشگر در مقام ۷۰ و از نظر درآمد ارزی ناشی از آن در مقام ۸۹ قرار دارد.^۱ این امر ناشی از وضعیت فرهنگی خاص کشور و دیدگاه مسئولان نسبت به گردشگری است که ایران را در جایگاه واقعی خود قرار نداده است. براساس جدول ۴ تعداد کل گردشگران جهانی در سال ۱۹۹۷، در حدود ۶۱۳ میلیون نفر و درآمد ارزی آن ۴۴۴ میلیارد دلار بوده است. در این میان سهم ایران از نظر تعداد گردشگر ۷۶۴ هزار نفر و درآمد ارزی حاصل از آن ۳۵۲ میلیون دلار بوده که معادل ۰/۰۷ درصد از کل درآمد جهانگردی جهان است. از این تعداد گردشگر که در سال ۱۹۹۷ وارد ایران شده‌اند حدود ۵۳۰ هزار نفر یعنی حدود ۶۹ درصد آن‌ها از کشورهای اسلامی بوده‌اند. در حالی که کشورهای اسلامی در همان سال حدود ۲۰ میلیون نفر جهانگرد به کشورهای مختلف فرستاده‌اند که سهم ایران می‌توانست بیش از این رقم باشد.

از سوی دیگر، در سال ۱۹۹۷ حدود ۱۴۰۰۰۰۰ نفر از ایرانی‌ها برای گردشگری به کشورهای دیگر وارد شده‌اند که دو برابر تعداد گردشگرانی است که وارد کشور شده‌اند. در برنامه اول توسعه اقتصادی، صنعت جهانگردی ۴/۵- میلیارد دلار تراز منفی نشان می‌دهد.^۲ در مقایسه، درآمد ارزی ترکیه از محل جهانگردی از ۳۲۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۸ میلیارد دلار در ۱۹۹۸ رسیده است.

جدول شماره ۴: تعداد گردشگران جهانی و سهم کشورهای اسلامی و ایران از آن، ۱۹۹۷

شرح	ورود گردشگر (میلیون نفر)	درآمد ارزی (میلیون دلار)	خروج اتباع (میلیون نفر)
کل جهان	۶۱۳	۴۴۴	۶۱۳
کشورهای اسلامی	۴۸	۳۱	۲۰
ایران	۰/۷۶	۰/۳۵۲	۱/۴
درصد سهم کشورهای اسلامی	۷/۸	۶/۹	۳/۲
درصد سهم ایران	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۲۲

مأخذ: تازه‌های اقتصاد، شماره ۸۵ بهمن ۱۳۷۸، ص ۲۶.

با توجه به روند رو به گسترش گردشگری در جهان و وجود درآمد سرشار از این صنعت در سطح جهان، به نظر می‌رسد یکی از بهترین راه‌های جذب گردشگر به کشور تشویق و جذب گردشگران

۱. غلامرضا یوسفی پور، "گردشگری در کشورهای اسلامی"، تازه‌های اقتصاد، شماره ۸۵ (بهمن ۱۳۷۸)، ص ۲۵.

۲. کازرونی، همان، ص ۱۹۵.

جهانی شدن اقتصاد و جایگاه ایران ... ۱۵۷

مسلمان است؛ به ویژه که کشورهای همسایه ما همه مسلمان هستند و قرابت بیشتری با فرهنگ ایران دارند و فرهنگ رفتاری این افراد به فرهنگ و معیارهای ارزشی کشور ما نسبت به سایر ملل دنیا نزدیک تر است. به علاوه، تنها گردشگرانی به کشور ما سفر می کنند که از جنبه اخلاقی و فرهنگی به گردشگری می نگرند، و چون اغلب این افراد مسلمان هستند و به کشور ما و انقلاب ایران علاقه مند هستند تمایل زیادی به سفر به ایران دارند. این افراد به ارزش های اسلامی پای بند هستند و در نتیجه آثار منفی گردشگری و آنچه به عنوان تهاجم فرهنگی مورد بحث است، در این گردشگران بسیار کمتر و در حد صفر است. به طور کلی، برای این که ایران در جهان امروز هم از درآمدهای ارزی گردشگری محروم نشود و هم آثار منفی گردشگری را به حداقل برساند، بهترین راه جذب گردشگران مسلمان است.^۱

۱. یوسفی پور، همان، صص ۲۶-۲۵.